

مطالعات اطلاعاتی: هستی‌شناسی مستقل، روش‌شناسی وابسته و نظریه‌پردازی ضعیف

دکتر مهدی میرمحمدی*

چکیده

نگاه پرسشگرانه و پژوهشی به سازمان‌های اطلاعاتی در فضای دانشگاهی ایران و بیشتر کشورهای جهان با نوعی خودداری و بی‌میلی همراه بوده و هست. این مقاله تلاش می‌کند ضمن تعریف مطالعات اطلاعاتی و بررسی وضعیت هستی‌شناسی و روش‌شناسی آن، جایگاه آن را به عنوان یک زمینه مطالعاتی دانشگاهی مشخص کند و تا اندازه‌ای ضرورت پرداختن به مطالعات اطلاعاتی در عرصه دانشگاهی را بازبنماید. نویسنده با توجه به ویژگی‌های مطالعات اطلاعاتی، ضمن آنکه معتقد به هستی‌شناسی مستقلی برای این حوزه مطالعاتی است، آن را زیررشته علوم سیاسی و روابط بین‌الملل معرفی می‌کند و مطالعات اطلاعاتی را «حلقه مفقوده شناخت سیاسی و بین‌المللی» می‌داند.

* دکترای روابط بین‌الملل دانشگاه تهران (mahmir.ir@gmail.com)

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۰/۱/۲۶

تاریخ دریافت: ۱۳۸۹/۷/۲۱

پژوهشنامه علوم سیاسی، سال ششم، شماره دوم، بهار ۱۳۹۰، صص ۲۳۴-۲۰۵.

واژه‌های کلیدی: مطالعات اطلاعاتی، علوم سیاسی، روابط بین‌الملل،
هستی‌شناسی، روش‌شناسی، نظریه‌پردازی، پژوهش اطلاعاتی.

مقدمه

بازنمایی مسائل مربوط به سازمان‌های اطلاعاتی در سپهر عمومی زندگی اجتماعی، در همه جوامع با اکراه و خودداری همراه بوده است. در بیشتر جوامع، افکار عمومی دیدگاهی مبهم، رازآلوده و اغلب منفی نسبت به اطلاعات^(۱) دارند. به جز چند کشور توسعه‌یافته که اطلاعات در آنها طی فرایندی چنددهه‌ای ابهام‌زدایی شده، هنوز در بیشتر کشورهای جهان، از جمله در کشور خودمان، نگاهی تردیدآمیز نسبت به نهادها و موضوعات اطلاعاتی وجود دارد. ورود اطلاعات به عرصه دانشگاهی نیز دشوار و توأم با بی‌میلی دانشگاهیان بوده است. شاید مهم‌ترین دلیل فقدان تمرکز مطالعات دانشگاهی بر مسائل و موضوعات اطلاعاتی، پنهان‌کاری و رازآلودگی موجود در موضوعات اطلاعاتی و بی‌میلی دانشگاهیان به ارتباط با سرویس‌های مخفی و یا ترس از این سازمان‌هاست.

با وجود این، اطلاعات بخشی از زندگی اجتماعی انسان مدرن است. همان‌طور که ابعاد سیاسی، بین‌المللی، اجتماعی و اقتصادی زندگی انسانی بنا به ضرورت‌های مادی و معنایی، موضوع شناخت و پژوهش‌های دانشگاهی قرار گرفته‌اند، بُعد اطلاعاتی زندگی بشری نیز نیازمند پژوهش دانشگاهی است. در واقع نسل امروز انسان، آگاهی قابل توجهی در مورد ابعاد مختلف زندگی خود دارد اما هنوز نوری بر جنبه‌های اطلاعاتی زندگی ما تابیده است. بیشتر ملت‌های دنیا به علت هراس بی‌مورد و امنیتی کردن فعالیت‌ها و موضوعات اطلاعاتی، از آنها دوری جستند و این در حالی است که اطلاعات نقش مهمی در سایر ابعاد زندگی ما اعم از سیاسی، اجتماعی و اقتصادی بر عهده داشته است. از این روی می‌توان اطلاعات را به حق، «بُعد گم‌شده شناخت بشری»^(۲) در عصر مدرن دانست. اگر ندانستن و دانستن غلط را

از عوامل شکست و ناکامی بشر به شمار آوریم، باید گفت که بسیاری از دستاوردهای علمی ما به‌ویژه در حوزه‌های تاریخی، سیاسی و بین‌المللی به علت تاریک ماندن زوایای اطلاعاتی آن ناقص و یا اشتباه است. شناخت نقش اطلاعات در تاریخ (شکل‌گیری وقایع تاریخی و روایت آن)، حوادث سیاسی و بین‌المللی و تحولات اجتماعی می‌تواند این نقص شناختی را جبران کند و چشم‌انداز نوینی برای تولید دستاوردهای شناختی جدید نسبت به مسائل و مشکلات بشری ارائه کند.

درک این ضرورت در غرب به سال‌های پس از جنگ جهانی دوم و دوران جنگ سرد بازمی‌گردد. به طور خاص در طول دهه ۱۹۷۰ با افشای نقش اطلاعات در بسیاری از پدیده‌های سیاسی و بین‌المللی مانند کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ علیه دولت مصدق، کودتا در شیلی، مسئله واترگیت در امریکا، نقش عملیات آلترا^(۳) در جنگ جهانی دوم و البته تحت تأثیر فیلم‌های سینمایی ساخته‌شده درباره رقابت اطلاعاتی شرق و غرب با یکدیگر، مانند جیمز باند، افکار عمومی و دانشگاهی غرب متوجه نقش اطلاعات در سیاست‌ها و هدایت امور بین‌المللی شدند.^(۴) این روند بالاخره پس از نزدیک به یک دهه و در اواخر دهه ۱۹۸۰ منجر به ورود اطلاعات به عرصه مطالعات دانشگاهی در امریکا و انگلستان شد. مایکل هندل احساس ضرورت مطالعات اطلاعاتی در دهه ۱۹۸۰ را به این شکل بیان کرده است: «تخصیص بخش قابل توجهی از منابع ملی به فعالیت‌های اطلاعاتی و نقش روزافزون اطلاعات در شکل‌دهی به امنیت ملی و سیاست خارجی، نشان‌دهنده ضرورت رو به گسترش درک مسائل منحصربه‌فرد و روش‌های فعالیت‌های اطلاعاتی است».^(۵)

با انتشار دو نشریه تخصصی در حوزه مسائل اطلاعاتی در سال ۱۹۸۵ با نام‌های «اطلاعات و امنیت ملی»^(۱) در انگلستان و «مجله بین‌المللی اطلاعات و ضداطلاعات»^(۲) در امریکا اصطلاح «مطالعات اطلاعاتی»^(۳) نیز به دایره واژگان دانشگاهی اضافه شد. در طول دو دهه گذشته نیز مطالعات و پژوهش‌های دانشگاهی درباره اطلاعات با تأسیس دو نشریه تخصصی دیگر یکی در آلمان با عنوان «مجله تاریخ اطلاعات»^(۱) در سال ۲۰۰۱ و نشریه الکترونیک «مجله اروپایی مطالعات اطلاعاتی»^(۲) در سال ۲۰۰۷، توسعه بیشتری یافته است. با این وجود هنوز

هم موانع عمده‌ای بر سر راه توسعه مطالعات اطلاعاتی وجود دارد که عبارتند از: (۱) بی‌میلی بسیاری از دولت‌ها و سرویس‌های اطلاعاتی برای در دسترس قرار دادن آرشیوهای خود به عنوان داده‌های اولیه پژوهش‌های تاریخی درباره اطلاعات؛ (۲) مشخص نبودن تعریف و حد و مرز مطالعات اطلاعاتی و رابطه آن با رشته‌های هم‌پایوند مانند علوم سیاسی و روابط بین‌الملل و (۳) نبود روش‌شناسی مشخص در مطالعات اطلاعاتی.

نوشتار حاضر به دنبال آن است تا با توجه به ضرورت پرداختن به مطالعات اطلاعاتی به عنوان حلقه مفقوده شناخت انسان از زندگی سیاسی، اجتماعی و بین‌المللی‌اش در ۱۰۰ سال اخیر، با پاسخ گفتن به سه پرسش بنیادین در عرصه مطالعات اطلاعاتی، ضمن مشخص کردن هویت علمی رشته و مرزهای متمایز آن از سایر علوم اجتماعی، رابطه آن با سایر رشته‌های هم‌پایوند را نشان دهد. هدف این مقاله پاسخ به سه پرسش زیر است:

■ مطالعات اطلاعاتی چیست؟

■ مطالعات اطلاعاتی (پژوهشگران اطلاعاتی) چه چیزی را باید مطالعه کنند؟

■ آیا اطلاعات یک رشته مستقل دانشگاهی است؟

به نظر نمی‌رسد که این پرسش‌ها پاسخ مطلق و یگانه‌ای داشته باشند. با وجود این، پرسش‌های فوق ما را وادار به اندیشیدن درباره ماهیت رشته مطالعاتی مورد بحث می‌کنند؛ البته پاسخ‌های متفاوتی که این پرسش‌ها به دنبال دارند، ناشی از رویکردها و گرایش‌های مختلف به مطالعات اطلاعاتی است. مروری بر آثار و پژوهش‌های اطلاعاتی که در طول دو دهه گذشته انجام شده‌اند، نشان می‌دهد دست‌کم دو رهیافت در پژوهش و تدریس اطلاعات وجود دارد: رهیافت اول، نگاه تاریخی به اطلاعات است. این رویکرد تلاش می‌کند به شیوه تاریخ‌نگاران و مورخان، وقایع و رویدادهای اطلاعاتی را ثبت و نقش تاریخی آنها را بازنمایی کند. رهیافت دوم رویکرد کارکردگرایانه است که به نقش سازمان‌ها و فعالیت‌های اطلاعاتی در عرصه زندگی سیاسی، اجتماعی و بین‌المللی می‌پردازد و به طور خاص به دنبال آشکار کردن نقش اطلاعات در سیاست‌گذاری، تصمیم‌گیری و تدبیر امور یا کشورداری است.^(۸) تمامی نشریات تخصصی مطالعات اطلاعاتی که هم‌اکنون منتشر

می‌شوند، هرکدام متأثر از یکی از این دو رهیافت هستند. نشریه «تاریخ اطلاعات» رهیافتی تاریخی به اطلاعات دارد. نشریه «اطلاعات و امنیت ملی» در مقاله‌های خود به دنبال آن است که نقش و کارکرد اطلاعات در مسائل سیاسی و بین‌المللی و البته سیاست‌گذاری را بازتاب دهد و نشریه «اطلاعات و ضداطلاعات» با رویکردی حرفه‌ای‌تر ترکیبی از دو رهیافت فوق را منعکس می‌کند. نوشتار حاضر با در نظر داشتن پرسش‌های سه‌گانه فوق، به دنبال بررسی مطالعات اطلاعاتی و معرفی رویکردهای مختلف نسبت به هویت این رشته و روش‌شناسی آن خواهد بود.

پیشینه پژوهش

همان‌طور که اشاره شد، مطالعات اطلاعاتی رشته‌ای نوپا در عرصه فعالیت‌های دانشگاهی است. اگرچه پرداختن به این حوزه مطالعاتی سابقه‌ای نزدیک به پنج دهه در غرب دارد اما به دلایلی که در بخش پیشین اشاره شد، هنوز توسعه چندانی نیافته است؛ از این روی پژوهش حاضر به دو دلیل بدیع به شمار می‌آید: (۱) جامعه علمی در کشور ما شناختی از رشته مطالعات اطلاعاتی ندارد و پژوهش حاضر می‌تواند گامی آغازین برای معرفی مطالعات اطلاعاتی به جامعه دانشگاهی کشور باشد؛ (۲) از آنجاکه پژوهش حاضر به دنبال مشخص کردن مرزهای هویتی رشته مطالعات اطلاعاتی (شامل هستی‌شناسی و روش‌شناسی مطالعات اطلاعاتی و ارتباط آن با رشته‌های هم‌پیوند) است، حتی برای جامعه دانشگاهی بین‌المللی نیز بدیع به شمار خواهد آمد.

مطالعات اطلاعاتی: از وابستگی تا استقلال

مطالعات اطلاعاتی شناسایی، توصیف، تبیین و تفسیر پدیده‌های اطلاعاتی و رفتارهای اطلاعاتی^۱ آن دسته از کنشگرانی است که اقدام به فعالیت‌های اطلاعاتی

۱. پدیده‌های اطلاعاتی، پدیده‌هایی هستند که عنصر پنهانکاری و ارتباط سلبی یا ایجابی با امنیت ملی از ویژگی ذاتی آنهاست. به همین نحو رفتارهای اطلاعاتی رفتارهایی هستند که عناصر دوگانه فوق در آنها وجود داشته باشد. در اغلب موارد پدیده‌های اطلاعاتی ریشه در رفتارهای اطلاعاتی کنشگران دارند. وجود عنصر پنهانکاری به منزله استلزام شناخت این پدیده‌ها و رفتارهاست و همین مسئله مهم‌ترین عامل اطلاعاتی بودن این رفتارها و پدیده‌ها به شمار می‌آید. در واقع عنصر پنهانکاری شرطی کافی برای اطلاعاتی بودن یک رفتار یا پدیده است.

می‌کنند. بر این اساس پژوهشگران اطلاعاتی اغلب با رفتارهای اطلاعاتی دولت‌ها در واکنش به یکدیگر سروکار خواهند داشت؛ البته این بدان معنی نیست که فعالیت‌های اطلاعاتی در انحصار دولت‌ها بوده و کنشگران دیگر نقشی در این رفتارها ندارند. مطالعات اطلاعاتی در بسیاری از مواقع با پدیده‌هایی مواجه می‌شود که ناشی از رفتارهای اطلاعاتی بازیگرانی غیر از دولت است. اساساً تکیه بر رفتارهای بازیگران مختلف یکی از معیارهایی است که می‌توان بر اساس آن رویکردهای مختلف به مطالعات اطلاعاتی را از یکدیگر بازشناخت. با وجود این، مطالعات اطلاعاتی تاکنون تمایل غیر قابل انکاری به بررسی انحصاری رفتارهای اطلاعاتی دولت‌ها داشته و به نظر می‌رسد که همچنان نیز به این رویه ادامه خواهد داد. از همین روی پژوهش‌های انجام‌شده در این رشته به شدت تحت تأثیر نظریه‌پردازی‌های سایر رشته‌های دانشگاهی معطوف به دولت، به ویژه علوم سیاسی و زیرشاخه‌های آن بوده است.^(۳) البته تأثیرپذیری مطالعات اطلاعاتی از علم سیاست صرفاً ناشی از تمایل یا رویکرد پژوهشگران اطلاعاتی نبوده و ریشه‌های عمیق‌تر آن را باید در ماهیت، نقش و جایگاه نهادهای اطلاعاتی بازجست.

رفتارها و فعالیت‌های اطلاعاتی دولت‌ها به عنوان بازیگرانی که مطالعات اطلاعاتی به آنها می‌پردازند، توسط ساختارهای اداری - تخصصی اجرا می‌شوند که به طور عام نهادهای اطلاعاتی نام‌گرفته‌اند. نهادهای اطلاعاتی، نوعی از ساختارهای اعمال قدرت و اقتدار دولت‌ها هستند که توسط حکومت شکل گرفته و از این روی هستی‌شان وابسته به بازی قدرت حکومت‌هاست. در واقع سیاست به مثابه تدبیر امور حکومت، نهادهای اطلاعاتی را به عنوان ابزارهایی جهت اعمال اقتدار عالی‌ه‌اش به وجود می‌آورد. به عبارت دیگر سیاست به مثابه بستری است که اطلاعات در آن قرار دارد و در آن بستر عمل می‌کند. اطلاعات به خودی خود موجودیت ندارد و به عنوان بخشی از نظام سیاسی عمل می‌کند.

طبق تعریف مشهور هارولد لاسول^(۱) «سیاست» مربوط به این است که چه کسی، چه چیزی را چگونه، و در چه زمانی به دست می‌آورد. دیوید ایستون^(۲) نیز «سیاست» را تخصیص آمرانه (مقتدرانه) ارزش‌ها دانسته است.^(۴) بدین ترتیب می‌توان گفت سیاست دربرگیرنده تمام مسائل اقتصادی (تخصیص منابع کمیاب)،

جامعه‌شناختی (به دلیل رابطه قدرت و موقعیت اجتماعی) و فرهنگی (به دلیل نقش ارزش‌های فرهنگی در توزیع قدرت) است. تعریف لاسول و ایستون از سیاست معطوف به این هدف است که قدرت در شرایط زمانی گوناگون، چگونه و مبتنی بر چه ارزش‌هایی در نزد چه کسانی است. این تعاریف در کنار رویه‌های عملی سیاسی، مؤید آن هستند که سیاست، علمی درباره قدرت^(۹) و چگونگی کسب، حفظ و افزایش آن است.

حال باید به این نکته اشاره کرد که اطلاعات (به عنوان پدیده‌ای وابسته به بستر سیاست) چه جایگاه و ارتباط منطقی با تعاریف فوق دارد. اگر بر اساس تعریف لاسول پیش برویم، مهم‌ترین هدف علم سیاست (به عنوان علم حکومت‌داری) آگاهی از چیزها و افراد واجد قدرت و چگونگی دسترسی آن افراد به آن چیزها در شرایط زمانی مختلف است. از آنجاکه چیزها (به عنوان منابع قدرت)، افراد و چگونگی دستیابی افراد به منابع قدرت در برهه‌های زمانی مختلف متغیر است، اطلاع از آنها مستلزم آگاهی نظام‌مند از تمام مسائل اقتصادی و اجتماعی خواهد بود. نهادهای اطلاعاتی، بر اساس تعریف لاسول، نقش شناسایی و اطلاع‌رسانی درباره منابع و افراد واجد قدرت و چگونگی دستیابی افراد به آن منابع در زمان‌های مختلف را بر عهده دارند؛ از سوی دیگر، چیزها یا منابع قدرت موجود در تعریف لاسول، همان ارزش‌هایی هستند که دیوید ایستون به دنبال تخصیص آمرانه آنهاست. در حقیقت از نظر ایستون، چگونگی توزیع ارزش‌ها (با برداشتی مادی و معنوی) بین افراد و طبقات گوناگون، پاسخ پرسش‌های لاسول هستند. تفاوت تعریف ایستون با لاسول در عنصر مداخله‌گری است که تخصیص آمرانه ارزش‌ها را انجام می‌دهد. این عنصر مداخله‌گر همان دولت است. بر اساس تعریف ایستون، می‌توان گفت نقش نهادهای اطلاعاتی ضمن شناسایی ارزش‌های واجد قدرت، مداخله در اعمال اقتدار انحصاری دولت خواهد بود. در تعریف لاسول، نهادهای اطلاعاتی صرفاً نقش شناسایی بدون مداخله در محیط اطراف را بر عهده دارند اما تخصیص آمرانه ایستون مستلزم نقش مداخله‌جویانه نهادهای اطلاعاتی در امور سیاسی است.^(۱۰)

دنیای واقعی فعالیت‌های اطلاعاتی، مجموعه‌ای از رفتارهای شناسایی و

مداخله‌ای است و بستر سیاسی حاکم بر جوامع در زمان‌های مختلف مهم‌ترین عامل تعیین‌کننده میزان رفتارهای شناسایی و مداخله‌ای نهادهای اطلاعاتی به شمار می‌رود؛ البته باید توجه داشت که رفتارهای شناسایی یا مداخله‌ای نهادهای اطلاعاتی در راستای منافع دولت، به دلیل سنت دیرینه حاکم بر این نهادها و بی‌میلی سیاست‌مداران به افشای اقدامات مداخله‌جویانه دولت، همواره در هاله‌ای از پنهان‌کاری انجام می‌شود.

اگر سیاست را علم قدرت و نقش نهادهای اطلاعاتی را شناسایی پنهانی منابع و افراد دارای قدرت، روش‌های کسب قدرت و مداخله در نحوه توزیع این منابع بدانیم، آنگاه می‌توان گفت مطالعات اطلاعاتی در واقع بررسی رابطه میان قدرت، شناخت و پنهان‌کاری است. به طور خاص این مطالعات به روابط میان انواع خاصی از قدرت و انواع خاصی از شناخت می‌پردازد. شناخت یکی از همان ارزش‌هایی است که ایستون به دنبال تخصیص و لاسول به دنبال شناسایی منبع و افراد واجد آن و چگونگی دستیابی به آن هستند. بدین ترتیب مطالعات اطلاعاتی برآند تا ضمن شناسایی منابع شناخت و نقش نهادهای اطلاعاتی در کسب، حفظ و افزایش این ارزش، تأثیر آن بر قدرت دولت‌ها را تبیین کنند. به عنوان یک ناظر و پژوهشگر اطلاعاتی، با نگاهی به ساختارهای اطلاعاتی کشورهای مختلف، به این نتیجه می‌رسیم که سازمان‌دهی این نهادها دقیقاً مبتنی بر نقش آنها در کسب شناخت (کارکرد جمع‌آوری اطلاعات)، حفظ شناخت موجود (کارکرد ضد اطلاعات)، مداخله در توزیع ارزش‌ها (کارکرد اقدام پنهان) و به طور کلی افزایش شناخت منجر به قدرت ملی، مهندسی شده‌اند.^(۱۱)

بدین ترتیب دلیل تأثیرپذیری مطالعات اطلاعاتی از علوم سیاسی و زیرشاخه‌های آن مشخص می‌شود. همان‌طور که دونووان^(۱) می‌گوید؛ اطلاعات یک پدیده وابسته و شریک کوچک سیاست است. او رابطه میان سیاست و اطلاعات را با این جمله که عنوان مقاله‌اش است، توصیف کرده است: «موش‌های اطلاعاتی و شیرهای سیاست‌گذاری».^(۱۲)

رابطه اطلاعات و سیاست به‌ندرت رابطه‌ای مبتنی بر وابستگی متقابل است؛ به‌طوری‌که می‌توان ادعا کرد، اگرچه اطلاعات پیش‌نیازی برای سیاست‌گذاری مؤثر

به شمار می‌آید^(۱۳)، اما هیچ‌گاه جایگزینی برای آن نیست و در صورت فقدان سیاست‌گذاری مؤثر، بهترین اطلاعات هم به هیچ‌دردی نمی‌خورد.^(۱۴) اساساً سیاست‌مداران این اختیار را دارند که توصیه‌های افسران اطلاعاتی و تحلیل‌های آنان را رد کنند. آنها خودشان تصمیم می‌گیرند که به توصیه‌ها عمل کنند یا نه. بدین ترتیب رابطه میان اطلاعات و سیاست‌گذاران را می‌توان این‌گونه بیان کرد:

وظیفه اطلاعات هشدار دادن، اطلاع دادن و توصیه است، اما رعایت توصیه‌های نهادهای اطلاعاتی و عمل کردن به هشدار آنها بستگی به نظر مقامات سیاسی و سیاست‌مداران مسئول دارد. سیاست با تعیین و تغییر دستورکار، تصویب قوانین جدید ناظر بر اطلاعات، گماردن مسئولان اطلاعاتی و تغییر آنها و مهم‌تر از همه با تعیین میزان بودجه اطلاعات، به‌شدت بر اطلاعات کنترل دارد.

بنابراین می‌توان دلایل تأثیرپذیری مطالعات اطلاعاتی از مطالعات سیاسی و زیرشاخه‌های آن را وابستگی موجودیت نهادهای اطلاعاتی به رفتارهای دولت (به عنوان مهم‌ترین نهاد سیاسی) و ماهیت سیاسی این نهادها به عنوان سوژه مطالعاتی پژوهش‌های اطلاعاتی دانست.

در کنار رویکردی که در قسمت‌های پیشین، مطالعات اطلاعاتی را به عنوان زیرشاخه‌ای از مطالعات سیاسی و وابسته به آن معرفی می‌کند، دو رویکرد عمده دیگر نیز نسبت به مطالعات اطلاعاتی وجود دارد. برخی از پژوهشگران، مطالعات اطلاعاتی را پژوهش‌هایی بین‌رشته‌ای^(۱) می‌دانند و معتقدند مطالعات اطلاعاتی از حیث سوژه‌های پژوهشی و روش پژوهش، وابسته به رشته‌های مطالعاتی مؤثر در ابعاد مختلف فعالیت نهادهای اطلاعاتی است. به عنوان مثال اگر موضوع مطالعاتی یک پژوهشگر اطلاعاتی نحوه سازمان‌دهی و ساختار نهادهای اطلاعاتی باشد، پژوهش او متأثر و مبتنی بر یافته‌ها و نظریات علم مدیریت خواهد بود؛ اگر به دنبال نقش نهادهای اطلاعاتی در سیاست خارجی باشد، نیازمند نظریات سیاست خارجی و مبانی روابط بین‌الملل خواهد بود، اگر علاقه‌مند به بررسی و مکتوب کردن وقایع گذشته نهادهای اطلاعاتی باشد باید بر اساس روش‌های مورخان و علم تاریخ عمل کند و غیره. بر این اساس، مطالعات اطلاعاتی هیچ‌گاه یک رشته دانشگاهی مستقل در نظر گرفته نمی‌شود و مهم‌تر از آن اینکه پژوهش‌ها و پژوهشگران اطلاعاتی،

پیش از آنکه به تخصصی در زمینه مطالعات اطلاعاتی نیازمند باشند، مستلزم مهارت و تخصص در علوم دیگر خواهند بود؛ به عبارت دیگر در این رویکرد، علوم دیگر ابزارهایی هستند که بدون آنها مطالعات اطلاعاتی ممکن نخواهد بود. این نظریات رشته‌های دیگرند که موضوع و روش مطالعات اطلاعاتی را مشخص می‌کنند.

با نگاهی به رویکردهای وابستگی و بین‌رشتگی به پژوهش اطلاعاتی مشخص می‌شود که هرکدام از آنها در واقع بخشی از هویت مطالعات اطلاعاتی را بازنمایی می‌کنند؛ اما واقعیت‌های عینی و رویه عملی نشان می‌دهند که مطالعات اطلاعاتی، دست‌کم تاکنون، وابسته به تاریخ، علوم سیاسی، مطالعات امنیتی و روابط بین‌الملل بوده است.^(۱۵)

رویکرد سوم به مطالعات اطلاعاتی به دنبال معرفی آن به مثابه یک رشته مطالعاتی مستقل دانشگاهی است. پژوهشگرانی که به این رویکرد وفادارند، برآنند که موضوع مطالعه پژوهش‌های اطلاعاتی اساساً متفاوت از علوم دیگر است. این محققان برآنند که هرچند اطلاعات نهادی سیاسی است و باید در راستای اهداف و منویات نظام سیاسی حرکت کند، اما پژوهش‌های سیاسی فقط می‌توانند به جایگاه این نهاد در ساختار سیاسی و برخی از مأموریت‌های بدیهی آن پردازند و بررسی و مطالعه فرایندهای درونی نهادهای اطلاعاتی به عنوان ابژه‌های انحصاری مطالعات اطلاعاتی، به دلیل پنهان‌کاری حاکم بر آنها خارج از تخصص و توان پژوهشگران سیاسی باقی خواهد ماند. از آنجایی که پژوهش دقیق نیازمند درک عمیق از فرایندهای درونی موضوع پژوهش است، پژوهشگران سیاسی قادر به تبیین مسائل نهادهای اطلاعاتی نیستند. در واقع مهم‌ترین دلیل این افراد برای استقلال مطالعات اطلاعاتی از رشته‌های دیگر، موضوعات مطالعاتی تخصصی و حرفه‌ای درون نهادهای اطلاعاتی است. طبق این رویکرد، مطالعات اطلاعاتی به دو دسته درون‌سازمانی و برون‌سازمانی تقسیم می‌شود.^(۱۶) برای این دسته از پژوهشگران، مطالعات اطلاعاتی کاملاً جنبه‌ای درون‌سازمانی دارد و ویژگی پنهان‌کاری همچنان عنصر مهمی در فرایند پژوهش در نظر گرفته می‌شود. در این رویکرد حتی پژوهشگران نیز صرفاً از افراد درون نهادهای اطلاعاتی هستند؛ چراکه دیگران صلاحیت دسترسی به منابع مطالعات اطلاعاتی را ندارند و حتی در صورت

دسترسی نیز توانایی درک فرایندهای درون نهادهای اطلاعاتی و تبیین و تفسیر آن را نخواهند داشت. آنها پژوهش‌های برون‌سازمانی را تحت تأثیر هستی‌شناسی سایر رشته‌ها می‌دانند و این پژوهش‌ها را زیرمجموعه سایر رشته‌ها یا بین‌رشته‌ای می‌نامند؛ اما معتقدند هستی‌شناسی پژوهش‌های درون‌سازمانی کاملاً بی‌مانند است و به همین دلیل مطالعات اطلاعاتی را رشته‌ای متمایز از سایر رشته‌ها معرفی می‌کنند.^(۱۷)

طی نزدیک به سه دهه گذشته که مطالعات اطلاعاتی در قالب‌های مختلف رونمایی کرده، هر سه رویکرد فوق بر آن تأثیرگذارده‌اند. نگاهی به آثار منتشره‌ای که می‌توان آنها را در شمار مطالعات اطلاعاتی جای داد، نشان می‌دهد بیشتر مطالعات انجام‌شده در قالب تاریخ‌نگاری وقایع نهادهای اطلاعاتی بر اساس خاطرات افسران اطلاعاتی سابق و یا بعضاً بر اساس اسناد و مدارک دولتی، توصیف و تشریح فعالیت‌ها و سازمان‌دهی نهادهای اطلاعاتی و گاهی بررسی کارکرد و جایگاه این نهادها در ساختارهای سیاسی بوده که بیانگر عدم استقلال مطالعات اطلاعاتی در نگاه پژوهشگران برون‌سازمانی است؛ با وجود این، بخش قابل توجهی از مطالعات اطلاعاتی که احتمالاً قدمتی بیشتر از پژوهش‌های برون‌سازمانی دارد، در درون نهادهای اطلاعاتی و توسط پژوهشگران داخلی این نهادها انجام می‌شوند. در واقع مطالعات اطلاعاتی همانند کوه یخی است که بخش اعظم آن در زیر دریایی از پنهان‌کاری حاکم بر سازمان‌های اطلاعاتی نهفته است. این واقعیت اغواگرانه ممکن است ما را به پذیرش مطلق رویکرد استقلال‌طلبانه به مطالعات اطلاعاتی وادار کند و مؤید استدلال طرفداران رویکرد سوم باشد؛ اما واقعیت آن است که مطالعات اطلاعاتی هنوز در ابتدای روند تکاملی خود قرار دارد و تا زمانی که نظریه‌پردازی کافی در آن انجام شود، همچنان به یافته‌های نظری رشته‌های دیگر وابسته خواهد بود.

البته به‌رغم امید به توسعه و استقلال مرزهای مطالعات اطلاعاتی در آینده، دلایل مختلفی وجود دارد که استقلال مطالعات اطلاعاتی را بسیار دشوار می‌نماید. رویه عملی توسعه مطالعات اطلاعاتی در عرصه‌های دانشگاهی نیز نشان‌دهنده وابستگی آن به رشته‌های دیگر به‌ویژه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل است. در حال

حاضر پنج دانشگاه در انگلستان رشته مطالعات اطلاعاتی را در دوره‌های تحصیلات تکمیلی خود ارائه می‌کنند. دانشگاه سالفورد^(۱) در دانشکده «جامعه‌شناسی، سیاست و تاریخ معاصر»، رشته‌ای با عنوان «مطالعات اطلاعاتی و امنیتی»^(۲) در دوره کارشناسی ارشد ارائه می‌کند که هدف آن «افزایش درک دانشجویان از اطلاعات و تأثیر آن بر سیاست و روابط بین‌الملل معاصر» معرفی شده است.^(۸) دانشگاه برانل^(۳) نیز رشته «مطالعات اطلاعاتی و امنیتی» را در دوره کارشناسی ارشد در گروه مدیریت ارائه می‌کند و محتوای آن شامل مطالعه اطلاعات و سیاست‌گذاری امنیتی با تأکید بر مطالعات موردی و تجربه‌های عملی است.^(۹) دانشگاه بیرمنگام رشته مطالعات اطلاعاتی را در گروه مطالعات امریکا و کانادا ارائه می‌کند و تمرکز آن بیشتر روی «تاریخ دیپلماتیک و روابط بین‌الملل» و نقش اطلاعات در سیاست خارجی و سایر حوزه‌های سیاست‌گذاری در امریکاست.^(۱۰) دانشکده سیاست بین‌الملل دانشگاه ویلز، ابرستویث، سه گرایش کارشناسی ارشد در مطالعات اطلاعاتی ارائه می‌کند که عبارتند از: (۱) اطلاعات و مطالعات راهبردی، (۲) مطالعات اطلاعاتی و تاریخ بین‌المللی و (۳) مطالعات اطلاعاتی (پژوهش و آموزش). علاوه بر این، دانشگاه فوق تنها دانشگاهی است که در دوره کارشناسی رشته «سیاست بین‌الملل و اطلاعات» را ارائه می‌کند. تمرکز برنامه درسی رشته‌های فوق نیز غالباً بر مسائل مربوط به اطلاعات و امنیت، نقش اطلاعات در سیاست‌گذاری و جنگ و تأثیر آن بر سیاست‌های داخلی و بین‌المللی است.^(۱۱) دانشکده مطالعات جنگ در کینگز کالج لندن نیز رشته «اطلاعات و امنیت بین‌المللی» را در دوره کارشناسی ارشد خود ارائه می‌کند و هدف آن بررسی ماهیت، فرایند و نقش اطلاعات در امنیت بین‌المللی است.^(۱۲)

در یک کلام می‌توان گفت هدف تمام رشته‌های فوق «درک تاریخچه توسعه اطلاعات به عنوان یک عامل مؤثر در روابط بین‌الملل و سیاست داخلی است» و این نکته ضمن آنکه علت ارائه این رشته‌ها را در دانشکده‌ها و گروه‌های سیاسی مشخص می‌کند، نشان‌دهنده وابستگی مطالعات اطلاعاتی به عنوان یک زیررشته به مطالعات سیاسی و بین‌المللی است. جدول زیر رویکردهای سه‌گانه به مطالعات اطلاعاتی و حوزه تأثیر هرکدام از آنها را نشان می‌دهد.

حوزه تأثیر	ویژگی‌ها	رویکرد مطالعاتی
مطالعات اطلاعاتی برون‌سازمانی و درون سازمانی	<ul style="list-style-type: none"> ■ یکسانی موضوع و هدف مطالعات اطلاعاتی و سیاسی ■ مطالعات اطلاعاتی در خدمت مطالعات سیاسی 	مطالعات اطلاعاتی به عنوان زیرشاخه مطالعات سیاسی
پژوهش‌های برون‌سازمانی پژوهش‌های درون‌سازمانی	<ul style="list-style-type: none"> ■ انجام مطالعات اطلاعاتی وابسته به یافته‌های نظری و روش‌شناسی علوم دیگر است و بدون آنها مطالعات اطلاعاتی ممکن نیست ■ ابعاد مختلف رفتارها و فعالیت‌اطلاعاتی توسط علوم گوناگون مرتبط با آن ابعاد مورد مطالعه قرار می‌گیرد ■ رشته مستقل اطلاعات وجود ندارد. 	رویکرد بین‌رشته‌ای
پژوهش‌های درون‌سازمانی	<ul style="list-style-type: none"> ■ موضوع مطالعات اطلاعاتی متمایز و متفاوت از سایر علوم است ■ اطلاعات مرزهای مشخصی با سایر علوم دارد ■ پژوهشگران بیرونی قادر به تبیین و درک موضوعات اطلاعاتی نیستند 	رویکرد مستقل

هستی‌شناسی مطالعات اطلاعاتی: پژوهشگران اطلاعات چه چیزی را باید

مطالعه کنند؟

یکی از نخستین ویژگی‌های یک رشته علمی، مشخص بودن موضوعات و سوژه‌های مطالعاتی آن است. اینکه چه چیزی را مطالعه کنیم و چه چیزهای دیگری را از حوزه مطالعاتی خود خارج سازیم، نشان‌دهنده هستی‌شناسی حاکم بر یک رشته علمی است. هستی‌شناسی هر حوزه مطالعاتی، به تعبیری «زمینه اکتشاف» آن است^(۳) و در مطالعات اطلاعاتی به طور خاص به مفروضه‌های بنیادین در مورد جوهره اطلاعات و رفتارهای اطلاعاتی اشاره می‌کند. این مفروضه‌ها به باورهای پایه در مورد سرشت واقعیت اطلاعاتی مربوط می‌شوند و مشخص‌کننده جوهره پدیده‌های اطلاعاتی هستند.

هستی‌شناسی در واقع تعیین مرجع انضمامی یک گفتمان تبیینی است، یعنی مشخص کردن «ساختارهای جهان واقعی (اشیا و واحدها) و فرایندهایی که یک نظریه مطرح می‌کند» و در تبیین و تفسیر خود به آنها می‌پردازد. هستی‌شناسی به ما

می‌گوید چه چیزی مطالعه می‌شود و آنچه مطالعه می‌شود، چه ویژگی‌هایی دارد. اهمیت هستی‌شناسی از این روست که وجه تبیینی یک نظریه را هرچند تعیین نمی‌کند، اما در آن محدودیت ایجاد می‌کند.^(۲۴) هستی‌شناسی مشخص می‌کند که نوع واحدهای کنشگر یا مورد مطالعه و رابطه میان کنشگران و زمینه کلان اجتماعی که در آن عمل می‌کنند (مسئله کارگزار و ساختار) چگونه است؟

پرسش دوم این مقاله، موضوعی هستی‌شناختی است و پاسخ به آن هستی‌شناسی مطالعات اطلاعاتی را مشخص خواهد کرد. به نظر می‌رسد مشخص شدن هستی‌شناسی مطالعات اطلاعاتی تا حدود زیادی به کشمکش میان رویکردهای مختلف نسبت به آن پایان می‌بخشد.

نخستین قدم برای مشخص شدن هستی‌شناسی مطالعات اطلاعاتی تعریف واژه «اطلاعات» است. ارائه یک تعریف دقیق از اطلاعات بسیار مشکل و بحث‌انگیز است و به قول والتر لاکوئر تاکنون هیچ تعریف درستی از اطلاعات ارائه نشده است. با وجود این، بررسی ادبیات موجود در این مورد نشان می‌دهد یک اجماع تلویحی میان نظریه‌پردازان مطالعات اطلاعاتی بر سر تعریف اطلاعات وجود دارد. طبق این اجماع منظور از واژه «اطلاعات» اشاره به کنشگران اطلاعاتی (که معمولاً سازمان‌های اطلاعاتی خوانده می‌شوند)، فعالیت‌های اطلاعاتی و محصولات تولیدشده توسط کنشگران اطلاعاتی است.^(۲۵)

بدین ترتیب می‌توان گفت موضوع مطالعاتی و پژوهشی در مطالعات اطلاعاتی شامل تمام پدیده‌های مربوط به عناصر تعریف فوق است. سیاست‌های اطلاعاتی، ساختار سازمان‌های اطلاعاتی، کنشگران اطلاعاتی، فرایندهای درونی سازمان‌های اطلاعاتی، شیوه‌های انجام فعالیت‌های اطلاعاتی، تأثیر اطلاعات بر سایر حوزه‌های زندگی مدرن بشری (سیاست، اجتماع، فرهنگ، امنیت و روابط بین‌الملل)، تأثیر متغیرهای دیگر بر اطلاعات و تاریخچه فعالیت‌های اطلاعاتی در هستی‌شناسی مطالعات اطلاعاتی قرار می‌گیرند.^(۲۶)

بنابراین اگر هستی‌شناسی را عامل تمایز رشته‌های دانشگاهی از یکدیگر بدانیم، می‌توان ادعا کرد مطالعات اطلاعاتی دارای هستی‌شناسی متمایزی است که هیچ رشته دیگری آن را در دستور کار پژوهشی خود قرار نداده است.

با این حال از آنجا که اطلاعات پدیده‌ای وابسته به سیاست است و به عنوان ابزار سیاست در جهت حفظ و کسب قدرت و امنیت مورد استفاده قرار می‌گیرد، باید گفت مطالعات اطلاعاتی نیز بخشی از پازل شناختی علوم سیاسی و روابط بین‌الملل به شمار می‌آیند. در واقع هستی‌شناسی و دستورکار پژوهشی مطالعات اطلاعاتی برآمده از دستورکار پژوهشی علوم سیاسی و روابط بین‌الملل است. مطالعه ساختار، سیاست‌ها و کارکردهای سازمان‌های اطلاعاتی در واقع مطالعه نهادهای کشورداری و حکومت‌داری است که به نوبه خود بخشی از دستورکار علوم سیاسی و سیاست‌گذاری عمومی هستند. مطالعه نقش سازمان‌های اطلاعاتی در سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری‌های ملی (مانند سیاست خارجی و امنیتی) در عمل کمک به حل معمای سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری در جعبه سیاه دولت است. به اعتقاد این نوشتار «اطلاعات جعبه سیاه درون دولت است» و هدف دستورکار پژوهشی مطالعات اطلاعاتی نیز باز کردن این جعبه سیاه است. باز شدن این جعبه سیاه به خودی خود هیچ تأثیری نخواهد داشت، مگر اینکه منجر به بهبود شناخت ما از پدیده‌های سیاسی و بین‌المللی شود؛ بنابراین مطالعات اطلاعاتی (به عنوان حلقه مفقوده شناخت بشری) تکمیل‌کننده مطالعات سیاسی و بین‌المللی هستند. در واقع کمک مطالعات اطلاعاتی به علوم سیاسی (که هدف اصلی آن کشف الگوهای رفتار سیاسی در درون نظام‌های سیاسی دارای حاکمیت و شناخت ساختارهای تصمیم‌گیری و کنشگران فعال در کشورداری است)، پراختن به آن بخش از پدیده‌های سیاسی است که اطلاعات در آن نقش مستقیم یا غیرمستقیم دارد و نظریه‌پردازان علوم سیاسی توانایی مطالعه آن را ندارند. تأثیر مطالعات اطلاعاتی در روابط بین‌الملل و زیررشته آن «تحلیل سیاست خارجی» نیز به ترتیب روشن شدن بیشتر نقش دولت در تحولات بین‌المللی و وضوح بیشتر جعبه سیاه فرایند تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری است.

روش‌شناسی مطالعات اطلاعاتی: مطالعات اطلاعاتی چگونه انجام می‌شوند؟
 ایده کسب دانش و شناخت بر این اصل استوار است که انسان می‌تواند با مشاهده و تفکر درباره جهان اطراف خود چیزهای جدیدی را در مورد آنچه از قبل

نمی‌دانست، دریابد و قادر است فرایندهای جهان اطراف را درک و تبیین کند. این اصل ریشه تمام فعالیت‌های پرسشگرانه بشر است. مطالعات اطلاعاتی نیز به عنوان یکی از حوزه‌های پرسشگری و پژوهش بشر، زمینه‌ای برای تلاش‌های او در راستای شناخت پدیده‌های اطلاعاتی مانند جنگ اطلاعاتی، همکاری اطلاعاتی، عملیات‌های اطلاعاتی، جاسوسی و غیره است. از طرف دیگر مطالعات اطلاعاتی بر امنیت، تهدید و خطر متمرکزند و سعی در پیش‌بینی دارند؛^(۳۷) از این رو یکی از بحث‌های مهم در این زمینه انتخاب مناسب‌ترین روش شناخت برای پرسشگری در اطلاعات است.

هرچند مطالعات اطلاعاتی از هستی‌شناسی متمایزی برخوردار است اما روش‌های تحقیق در اطلاعات متأثر از روش‌های سایر علوم اجتماعی (و به طور خاص علوم سیاسی و روابط بین‌الملل) است که به نوبه خود متأثر از روش‌های تحقیق در علوم دقیقه‌اند.

روش سنتی اما رایج در پژوهش‌های اطلاعاتی استفاده از روش‌های مطالعه تاریخی، فلسفی و نقل قول از گفته‌ها و تجربیات افراد مهم عرصه‌های مربوط به فعالیت‌های اطلاعاتی است. از نظر سنت‌گرایان، تاریخ تنها راهنما برای درک واقعیت‌ها به همان شکلی است که رخ می‌دهند.^(۳۸) اساساً نخستین پژوهشگران اطلاعات را تاریخ‌دانان، افسران اطلاعاتی سابق و یا تصمیم‌سازان مرتبط با نهادهای اطلاعاتی تشکیل می‌دهند. روش مطالعاتی آنها ریشه در فلسفه و تاریخ دارد و با تکیه بر پیش‌داوری و تجربه به توصیف پدیده‌های اطلاعاتی می‌پردازند. مطالعات سنتی به شدت ارزش‌محور و متکی به تاریخ است و ارزش‌ها، هنجارها، اصول اخلاقی، آگاهی تاریخی محقق و داوری وی درباره موضوع مورد مطالعه تأثیر مهمی بر پژوهش دارد.^(۳۹) ویژگی روش سنتی مطالعات اطلاعاتی، کلی بودن و بررسی تاریخی چندین موضوع در یک پژوهش است. این دسته از پژوهش‌ها نقش مهمی در ارائه شناخت عمومی در مورد سازمان‌های اطلاعاتی و درک و فهم موضوعات اطلاعاتی دارند اما به ندرت منجر به شناختی عمیق در مورد دلایل و علت‌های وقوع پدیده‌ها یا رفتارهای اطلاعاتی می‌شوند (هرچند وقایع‌نگاری موجود در این دسته از پژوهش‌ها منبع مناسبی برای پژوهش‌های تبیینی است).

پژوهش‌هایی که به دنبال تبیین و علت‌یابی پدیده‌ها و رفتارهای اطلاعاتی هستند، اساساً برخاسته از روش‌شناسی رفتارگرایانه موجود در علوم اجتماعی بوده‌اند. از نظر رفتارگرایان پدیده‌های اجتماعی (از جمله اطلاعاتی) را می‌توان با تکیه بر روش‌های مطالعه پدیده‌های طبیعی مورد مطالعه قرار داد. رفتارگرایی بر آن است که تمام محققان اطلاعات باید از یک روش یکسان (روش علوم طبیعی) مبتنی بر اثبات‌گرایی منطقی، طرح‌های تجربی، پژوهش کمی و نظایر آن به مطالعه در این رشته اقدام کنند. رفتارگرایان معتقدند سنت‌گرایی حاکم بر پژوهش‌ها، با درهم‌آمیختن مباحث وجودی و هنجاری یا جنبه تجویزی دادن به نظریه‌ها، بی‌توجهی به کاربرد روش‌های علمی در گردآوری و تجزیه و تحلیل داده‌ها، کلی بودن موضوع مورد پژوهش و اتکای بیش از حد بر تاریخ و فلسفه باعث عدم رشد علمی و نظام‌مند یافته‌های پژوهشی می‌شود. این درحالی است که اتخاذ روش‌های علمی، ارائه تبیین‌های متکی بر فرضیه‌های جزئی قابل واریسی و کمی‌گرایی در پژوهش‌های اطلاعاتی می‌تواند منجر به تقویت بنیان‌های علمی رشته (با ظهور نظریات اطلاعاتی) به عنوان یک زمینه مطالعاتی مستقل شود.

با این حال پژوهش‌های تبیینی نیز به نوبه خود بر شانه‌های پژوهش‌های سنتی استوارند. پژوهش‌های سنتی در حوزه اطلاعات در حکم تحقیقات اکتشافی و توصیفی هستند که بستر و بنیاد اولیه برای تبیین پدیده‌ها و رفتارهای اطلاعاتی را فراهم می‌آورند. پژوهش‌های سنتی با ارائه درک و بینش صحیح از تاریخ و فرایندهای درونی پدیده‌ها و رفتارهای اطلاعاتی، تبیین امور را تسهیل و احتمال صحت شناخت تبیینی را افزایش می‌دهند.

روش‌شناسی علمی، مبتنی بر هستی‌شناسی مادی است. این روش با اعتقاد به امکان شناخت، سوژه مستقل از شناسا، وجود واقعیت‌های بیرون از ذهن و تفکرات ما، روش‌های کمی مطالعه و استفاده از آن به عنوان تنها و بهترین روش پژوهش، صرفاً قادر به مطالعه هستی‌مندهای مادی و کمیّت‌پذیر است. این در حالی است که رفتارها و پدیده‌های اطلاعاتی تقلیل‌پذیر به هستی‌شناسی مادی نیستند و بسیاری از پدیده‌های اطلاعاتی دارای جنبه‌های غیرمادی مهمی (مانند انگیزه‌های ایدئولوژیک، ارزش‌ها و هنجارها) هستند؛ از این رو، مطالعات اطلاعاتی مؤثر، مستلزم همزمانی

پژوهش‌های سنتی (با هستی‌شناسی مادی و غیرمادی) و رفتارگرایانه (با هستی‌شناسی مادی) است.

در حال حاضر وضعیت مطالعات اطلاعاتی، تحت تأثیر تحولات فرافرنظری در مطالعات سیاسی و بین‌المللی، در حال ورود به مرحله تکثرگرایی شناختی است که علاوه بر دو روش‌شناسی سنتی و رفتارگرایانه، شاهد ظهور پژوهش‌هایی با رویکردهای گفتمانی و شالوده‌شکنانه پست‌مدرنیستی خواهیم بود؛ البته از آنجا که عنصر پنهان‌کاری موجود در اطلاعات امکان مشاهده مستقیم و علمی آن را از نظریه‌پردازان دانشگاهی می‌گیرد، به نظر می‌رسد روش‌شناسی سنتی همواره یکی از رویکردهای جاری در مطالعات اطلاعاتی باقی بماند.

نظریه‌پردازی در مطالعات اطلاعاتی

حرفه اطلاعات حرکت به سوی روشنایی از میان سایه‌ها را آغاز کرده است. امروزه نویسندگان و پژوهشگران مطالعات اطلاعاتی به یمن جهانی شدن و تأثیر آن بر آشکارسازی منابع اطلاعاتی و افزایش سیاست‌های «خارج کردن اسناد سازمان‌های اطلاعاتی از طبقه‌بندی»، برای اجرای طرح‌های تحقیقی خود به بسیاری از جزئیات دسترسی دارند و افراد می‌توانند درک اولیه‌ای را در این زمینه از طریق ادبیات آشکار به دست آورند. دو دهه قبل یافتن چند مقاله ارزنده در عرصه مسائل اطلاعاتی در ایران و دیگر کشورهای جهان، بسیار مشکل بود؛ اما امروزه چندین نشریه در عرصه بین‌المللی^۱ در زمینه اطلاعات منتشر و در دسترس پژوهشگران اطلاعاتی قرار دارد. علاوه بر این در چند سال اخیر بر اثر تحولات ناشی از جهانی شدن و کاهش پنهان‌کاری در عرصه مسائل اطلاعاتی، ده‌ها جلد کتاب در کشورهای مختلف به‌ویژه ایالات متحده تألیف شده‌اند و این همه نشان‌دهنده پیشرفت در مطالعات اطلاعاتی است.

با وجود این، مطالعات اطلاعاتی همچنان در آغاز روند خود بوده و دوران کودکی خود را سپری می‌کند. هرچند مطالعات اطلاعاتی در امریکا، با گرت‌برداری از روش‌های علوم اجتماعی، گام‌های بلندی به سمت علمی شدن و هویت‌بخشی به

۱. مهم‌ترین نشریات بین‌المللی در زمینه مطالعات اطلاعاتی نشریه «اطلاعات و امنیت ملی» در انگلستان و نشریه «اطلاعات و ضداطلاعات» در امریکا است.

عنوان یک رشته مستقل دانشگاهی برداشته است، اما این رشته هنوز از فقر شدید در عرصه نظریه‌پردازی رنج می‌برد.^(۳۰) به گونه‌ای که در میان ادبیات اطلاعاتی تولیدشده تولیدشده در دو دهه اخیر به زحمت می‌توان یک نظریه اطلاعاتی منسجم یافت. با توجه به آنکه فرایند تکامل و بلوغ سایر رشته‌های هم‌پیوند اطلاعات مانند علوم سیاسی و روابط بین‌الملل وابسته به نظریه‌پردازی بوده، به نظر می‌رسد توسعه نظریه‌پردازی در مطالعات اطلاعاتی نیز مهم‌ترین عامل در تکامل و استقلال نسبی این رشته مطالعاتی باشد. در واقع فقدان نظریه و نظریه‌پردازی در اطلاعات یکی از عوامل عقب‌ماندگی این رشته به شمار می‌آید و توسعه این رشته مستلزم نظریه‌پردازی است.

پرسش‌های ابتدایی مقاله نشان می‌دهد مطالعات اطلاعاتی باید به دنبال شناسایی کنشگران اطلاعاتی، پدیده‌های اطلاعاتی و ساختارهای اطلاعاتی و مطالعه رفتارهای آنها باشد. پاسخ به این پرسش‌ها نیازمند وجود چشم‌انداز نظری (نظریه) است و از آنجاکه با ضعف نظریه‌پردازی در اطلاعات مواجهیم، ارائه پاسخ مناسب به این پرسش‌ها نیز مشکل است. در حال حاضر تنها یک نظریه در مطالعات اطلاعاتی وجود دارد که عبارت است از: «وابستگی اطلاعات به سیاست». بر اساس این نظریه، دولت‌ها تنها کنشگران اطلاعاتی، شایسته پژوهش‌اند. در واقع موضوع و هدف مطالعات اطلاعاتی در این چشم‌انداز تبیین و فهم رفتار رهبران و جامعه دشمن است.^(۳۱) استلزامات روشی این نظریه در مطالعات اطلاعاتی نیز گرت‌برداری از روش‌های علوم سیاسی، روابط بین‌الملل و مطالعات امنیتی است.^(۳۲)

با این حال امروزه علاوه بر دولت‌ها، سازمان‌های بین‌المللی، سازمان‌های غیردولتی، شرکت‌های اقتصادی و نهضت‌های آزادی‌بخش نیز بازیگرانی هستند که دست به تشکیل ساختارهای اطلاعاتی زده و رفتارهای اطلاعاتی از خود نشان می‌دهند،^۱ اما به دلیل نبود چشم‌اندازهای نظری متفاوت، مطالعات اطلاعاتی تحت تأثیر روش‌شناسی مطالعات سیاسی و امنیتی، در حال حاضر صرفاً رفتار اطلاعاتی

۱. نمونه این بازیگران سازمان ناتو و اتحادیه اروپاست. ناتو دارای تشکیلات اطلاعاتی است و دست به اقدامات اطلاعاتی مستقل می‌زند و اتحادیه اروپا نیز در راستای عملی شدن سیاست امنیتی و دفاعی مشترک در حال ایجاد زیرساخت‌های اطلاعاتی برای اتحادیه است.

دولت‌ها (دولت‌های دشمن و رقیب) را مورد بررسی قرار می‌دهد و توجهی به رفتارهای اطلاعاتی سایر کنشگران ندارد.

ضعف نظریه‌پردازی موجب تقلیل‌گرایی و محدود شدن مطالعات اطلاعاتی شده است. در سال‌های اخیر تمام پژوهش‌های اطلاعاتی از چشم‌انداز دولت‌محور انجام شده‌اند. از آنجاکه مطالعات اطلاعاتی به شدت متأثر از مطالعات علوم سیاسی و روابط بین‌المللی است، پژوهش‌های برون‌سازمانی صرفاً آن دسته از پدیده‌ها و کنشگرانی را مطالعه می‌کنند که نقش مهمی در مطالعات سیاسی و بین‌المللی (که به شدت دولت‌محورند) داشته‌اند. حتی پژوهش‌های متأثر از این چشم‌انداز نظری کلان (وابستگی اطلاعات به سیاست) نیز به دلیل فقر در نظریه‌های خرد و میان‌برد اطلاعاتی، دچار مشکل هستند.

نتیجه‌گیری

نوشتار حاضر به دنبال آن بود تا ضمن تعریف مطالعات اطلاعاتی، وضعیت این حوزه مطالعاتی به عنوان یک رشته دانشگاهی را در سپهر آکادمیک مشخص کند. به نظر می‌رسد پاسخ پرسش اصلی که در قالب سه پرسش چستی مطالعات اطلاعاتی، چستی هستی‌شناسی مطالعات اطلاعاتی و استقلال یا وابستگی آن به عنوان یک رشته دانشگاهی مطرح شده، این باشد که «مطالعات اطلاعاتی بخشی از مطالعات سیاسی و بین‌المللی است که به ترتیب در سطح تحلیل داخلی و بین‌المللی به بررسی کنش‌های پنهانی کنشگران، کنشگران پنهان کار و واکاوی بُعد اطلاعاتی پدیده‌ها می‌پردازد. بدین ترتیب می‌توان ادعا کرد مطالعات اطلاعاتی از لحاظ هستی‌شناسی (موضوع مطالعاتی) کاملاً مستقل است چراکه هیچ رشته دیگری وجود ندارد که این موضوعات را در دستورکار مطالعاتی خود قرار بدهد. رویه عملی تأسیس کرسی‌های مطالعات اطلاعاتی در دانشکده‌ها و گروه‌های علوم سیاسی، روابط بین‌الملل و مطالعات امنیتی نیز به نوبه خود نشان‌دهنده ارتباط وثیق مطالعات اطلاعاتی با علوم سیاسی و روابط بین‌الملل است».

اگر مقاله حاضر، با تمام ضعف‌هایش، توانسته باشد به پرسش‌های سه‌گانه پاسخ بدهد، همچنان دو پرسش بدون پاسخ مانده است: «چگونه می‌توان ضعف

نظریه‌پردازی در مطالعات اطلاعاتی را مرتفع کرد؟» و مهم‌تر از آن «چگونه می‌توان مطالعات اطلاعاتی بومی تولید کرد؟»

اگر مطالعات اطلاعاتی را واقعاً «حلقه مفقوده شناخت انسانی از تحولات سیاسی و بین‌المللی» بدانیم، آنگاه ضرورت پرداختن نهادهای پژوهشی و دانشگاهی (به‌ویژه دانشکده‌ها و گروه‌های علمی سیاسی و بین‌المللی) به آن مشخص می‌شود؛ علاوه بر این، برای آنکه مطالعات اطلاعاتی بتوانند نقاط ضعف ادبیات سیاسی و بین‌المللی را پوشش دهند، یافتن راهکاری برای توسعه و پیشرفت آن نیز ضروری می‌نماید. از سوی دیگر، از آنجاکه «معرفت علمی در هر زمینه‌ای همواره در خدمت منافع و ارزش‌های تولیدکننده آن است»^(۳۳)، برای جلوگیری از گرت‌برداری علمی و شروع نهضت ترجمه اطلاعاتی در دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی کشور، لازم است راهکار مناسبی برای نظریه‌پردازی بومی در مطالعات اطلاعاتی نیز ابداع شود؛ از این‌رو بخش پایانی نوشتار با این پیش‌فرض که انجام پژوهش‌های اطلاعاتی و انتشار یک نشریه تخصصی مطالعات اطلاعاتی بهترین راهکار برای تقویت مطالعات اطلاعاتی و مهم‌تر از آن تولید مطالعات اطلاعاتی بومی مبتنی بر مسائل و مشکلات کشور است، سعی می‌کند انواع پژوهش‌های اطلاعاتی را بر اساس هستی‌شناسی‌های متفاوت بازشناسی کند.

به زبان ساده منظور از هستی‌شناسی، پدیده‌ها و موجودیت‌هایی هستند که در کانون توجه یک رشته علمی قرار دارند. به عنوان مثال جامعه‌شناسی به گروه‌ها و رفتارهای آنها، روابط بین‌الملل به دولت و رفتارهای آن و روانشناسی به فرد و بُعد روانی رفتارهای او توجه دارند؛ به عبارت دیگر چیزهایی را که یک علم در مطالعات خود به آن می‌پردازد و آنها را موضوع تحقیق خود می‌داند، هستی‌شناسی آن علم می‌گویند. هستی‌شناسی ممکن است مادی یا معنایی (غیرمادی) باشد. برای نمونه موضوع مطالعه علم پزشکی بعد مادی بدن انسان است، اما در روان‌شناسی ابعاد غیرمادی (روحی و روانی) انسان مورد بررسی علمی قرار می‌گیرند. مادی یا معنایی بودن هستی‌شناسی نقش مهمی در تعیین روش‌شناسی حاکم بر پژوهش‌های یک رشته دارد. هستی‌شناسی‌های مختلف، پژوهش‌های متفاوتی را ایجاب می‌کنند و هر پژوهشی روش خاص خود را دارد. مطالعات اطلاعاتی به عنوان بخشی از علوم

انسانی و اجتماعی، به دنبال تبیین و درک رفتارهای افراد و گروه‌های انسانی (در بعد اطلاعاتی و امنیتی) هستند.^(۳۴) از آنجاکه رفتارهای انسانی دارای دو بُعد مادی و معنایی است، هستی‌شناسی این رشته نیز دوجوهی خواهد بود. رفتارهای انسان هم‌زمان تحت تأثیر محیط مادی، ارزش‌ها، هنجارها و نیت درونی او قرار دارند. اگر هدف پژوهش‌های اطلاعاتی را تبیین رفتار کنشگران اطلاعاتی (و پدیده‌های اطلاعاتی)، تفسیر و درک نیت و انگیزه‌های رفتار آنان و پیش‌بینی رفتارهای آتی برای حل مشکلات بدانیم، پنج نوع پژوهش اطلاعاتی وجود خواهد داشت^(۳۵) که عبارتند از:

۱. **پژوهش توصیفی:**^(۱) هدف پژوهش توصیفی، توصیف ویژگی‌های اساسی موقعیت پدیده مورد مطالعه است. توصیف پدیده نقش مهمی در تبیین و پیش‌بینی تحولات آتی آن دارد. در واقع پژوهش‌های تبیینی و پیش‌بینی‌کننده، تداوم پژوهش‌های توصیفی به شمار می‌روند. می‌توان گفت توصیف دقیق نیمی از تبیین یک پدیده به شمار می‌رود.

۲. **پژوهش تفسیری:**^(۲) بخشی از مأموریت‌های سازمان اطلاعاتی مربوط به پیش‌بینی یا برآورد انگیزه و نیت رهبران دشمن یا کشور رقیب است. هرچند پیش‌بینی نیت یک فرد یا کشور در هر زمانی غیرممکن و بسیار غیردقیق است اما جزء وظایف سازمان‌های اطلاعاتی است و مطالعات اطلاعاتی نیز باید به این مقوله توجه بیشتری نشان دهند. هدف پژوهش‌های تفسیری، درک و فهم انگیزه و نیت رهبران دشمن از رفتارهای اطلاعاتی آنان است. درک نیت و انگیزه‌ها نقش بسیار مهمی در تبیین و پیش‌بینی رفتارها و حوادث اطلاعاتی دارد. به گونه‌ای که می‌توان آن را مکمل روند تبیین دانست.

۳. **پژوهش تبیینی:**^(۱) هدف پژوهش تبیینی توضیح دلایل و شرایط تحول در یک پدیده است. در مطالعات اطلاعاتی، هدف از تبیین، مشخص کردن دلایل یک واقعه برای مشتریان (تصمیم‌گیران) است. اگر تصمیم‌گیران قادر به تخمین فرایند یک واقعه باشند، می‌توانند در برابر حوادث نامطلوب واکنش نشان داده و روندهای مطلوب را تقویت کنند.

۴. **پژوهش پیش‌بینی‌کننده:**^(۲) هدف پژوهش پیش‌بینی‌کننده، پیش‌بینی تحولات

آتی یک پدیده است. این نوع پژوهش به دنبال مشخص کردن میزان امکان بروز تهدیدات، حوادث و خطرات، و تعیین استراتژی مناسب برای واکنش در برابر آنهاست.

۵. پژوهش‌های الگوساز: از آنجاکه پژوهش‌های اطلاعاتی، به دنبال حل مسئله و دستکاری در محیط اطراف در راستای منافع دولت متبوع هستند (و به همین دلیل در تقسیم‌بندی کاکس از نظریات انتقادی و حل مسئله، نظریات اطلاعاتی را باید نظریه‌های حل مسئله خواند)، بخشی از تلاش‌های پژوهشی آنان صرف تهیه الگوها و مدل‌های تغییر در محیط‌های مختلف می‌شود. مانند طراحی الگوی اقدام پنهان در یک هدف خاص یا طراحی الگوی عملیات روانی در یک محیط خاص؛ به عبارت دیگر پژوهش الگوساز به نحوه پیدایش یک وضعیت مطلوب با دستکاری انسان توجه دارد. علاوه بر این، الگوها می‌توانند در پیش‌بینی تحولات آتی نیز استفاده شوند.

کاملاً واضح است که هرکدام از پژوهش‌های فوق، ویژگی‌های روشی خاص خود را دارند. پژوهش‌های توصیفی و تبیینی را می‌توان با استفاده از روش‌شناسی اثبات‌گرایانه انجام داد. درحالی‌که پژوهش تفسیری مبتنی بر روش‌های هرمنوتیکی و گفتمانی است و پیش‌بینی و آینده‌پژوهی نیز قواعد روشی خاص خود را دارد. ضرورت انجام پژوهش‌های پنج‌گانه فوق در رشته مطالعات اطلاعاتی را در قالب یک مثال بیان می‌کنم:

یکی از موضوعات مطالعاتی رشته اطلاعات، مطالعه در مورد حملات غافلگیرانه و ناکامی‌های اطلاعاتی است. پرسش‌هایی که در این موضوع ممکن است مطرح شود شامل چیستی ناکامی اطلاعاتی، اجتناب‌ناپذیر یا اجتناب‌پذیر بودن آن^(۳۶) و تبیین دلایل ناکامی اطلاعاتی است. پاسخ به این پرسش‌ها نیازمند یک پژوهش توصیفی برای تعریف و مفهوم‌سازی ناکامی اطلاعاتی و انواع آن، و همچنین پژوهشی تبیینی برای مشخص کردن دلایل ناکامی‌های اطلاعاتی گذشته است. از سوی دیگر از آنجاکه ممکن است ناکامی اطلاعاتی ریشه در عدم درک نیات و انگیزه‌ها و برداشت‌های رهبران دشمن داشته باشد، تصحیح این مسائل مستلزم پژوهش‌هایی تفسیری برای فهم بیشتر از طرز فکر و برداشت‌های رهبران

دشمن خواهد بود. علاوه بر آن، به علت ویژگی کاربردی بودن و معطوف به حل مسئله بودن مطالعات اطلاعاتی، یکی دیگر از اهداف مطالعه ناکامی اطلاعاتی باید پیش‌بینی رفتارهای آتی دشمن برای جلوگیری از ناکامی‌های بعدی باشد، لذا پژوهش‌های پیش‌بینی‌کننده در مورد ناکامی‌های اطلاعاتی نیز ضرورت می‌یابد؛ البته تمام موضوعات مطالعاتی یک رشته، نیازمند پژوهش‌های مختلف نیستند. برای مثال یکی دیگر از موضوعات مطالعاتی این رشته نیازمندی‌های اطلاعاتی و رابطه مشتریان اطلاعاتی و نهادهای جمع‌آوری‌کننده اطلاعات است.^(۳۷) پژوهش در این زمینه اساساً ماهیتی توصیفی دارد که هدف آن توصیف روابط میان مشتریان و سازمان اطلاعاتی در گذشته و در کشورهای مختلف است. مطلوب‌ترین پژوهش در این موضوع نیز تحقیقی است که اقدام به طراحی یک الگوی مناسب روابط میان مشتریان و سازمان اطلاعاتی بر اساس ویژگی‌های کشور مورد مطالعه بنماید. نمونه دیگری از پژوهش‌های اطلاعاتی که می‌تواند در توسعه و گسترش مطالعات اطلاعاتی در عرصه دانشگاهی نقش مهمی داشته باشد، توصیف نقش و جایگاه سازمان‌های اطلاعاتی در سیاست‌گذاری عمومی و به‌ویژه سیاست خارجی و امنیتی است.

سرانجام باید گفت گسترش مطالعات اطلاعاتی بومی، با توجه به آنکه آرشیوهای سازمان‌های اطلاعاتی ملی کشورها منابع گرانبه‌ای داده‌های علمی در موضوعات سیاسی و بین‌المللی هستند، می‌تواند زمینه‌های نظریه‌پردازی بومی در حوزه‌های پژوهشی علوم سیاسی، روابط بین‌الملل و تحلیل سیاست خارجی باشد.^(۳۸) *

پی‌نوشت‌ها

۱. واژه اطلاعات در این نوشتار مترادف واژه «Intelligence» در زبان انگلیسی به کار رفته که اشاره به سازمان‌ها، فعالیت‌ها و محصولات و پدیده‌های اطلاعاتی دارد و با واژه «Information» تفاوت دارد. برای مطالعه بیشتر در این زمینه نک. به: مهدی میرمحمدی، «کارکردهای سازمان اطلاعاتی در کشورداری»، فصلنامه مجلس و پژوهش، سال چهاردهم، شماره ۵۷، پاییز ۱۳۸۶)، صص ۱۵۳-۱۹۸.

2. Christopher Andrew and David Dilks, eds., *The Missing Dimension: Governments and Intelligence Communities in the Twentieth Century*, Urbana, IL: University of Illinois Press, 1984.

۳. آلترا (Ultra) اسم رمز عملیات اطلاعاتی مشترک بریتانیا و آمریکا در جنگ جهانی دوم بود که با جمع‌آوری اطلاعات از آلمان و ژاپن نقش بسیار شگرفی در پیروزی زود هنگام متفقین داشت. برای مطالعه بیشتر بنگرید به:

Norman Polmar and Thomas Allen, *The Encyclopedia of Spionage*, New York: Gramercy Books, 1997, p. 563.

4. Martin Rudner, *Intelligence Studies in Higher Education: Capacity-Building to Meet Societal Demand*, *International Journal of Intelligence and Counterintelligence*, Vol. 22, 2009, pp. 110-130.

5. Michael I. Handel, "The Study of Intelligence", *Orbis*, Vol. 26, Winter 1983, pp. 817-821.

۶. برای اطلاع از رویکردهای بازشناسی شده توسط نویسندگان غربی در مورد مطالعات اطلاعاتی نک. به :

Stafford T. Thomas, "Assessing Current Intelligence Studies", *International Journal of Intelligence and Counterintelligence*, Vol. 2, No. 2 summer 1998; Wesley Wark, "The Study of Spionage: Past, Present, Future?", *Intelligence and National Security*, Vol. 8,

No. 3, 1993.

7. Martin Rudner, "Intelligence Studies in Higher Education: Capacity-Building to Meet Societal Demand", *International Journal of Intelligence and Counterintelligence*, Vol. 22, No. 1, pp. 110-130.

۸ عبدالرحمن عالم، بنیادهای علم سیاست، (تهران: نشرنی، ۱۳۸۱)، ص ۲۸.

9. A. Leftwich, ed., *What is politics*, (Oxford: Basil Blackwell, 1984), p. 144.

۱۰. لازم به توضیح است که سازمان‌های اطلاعاتی با فعالیت‌های خود ارزشی به نام «آگاهی» یا «شناخت» نسبت به پدیده‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، امنیتی و بین‌المللی تولید می‌کنند که مهم‌ترین منبع قدرت در عصر دانش بنیان امروز به شمار می‌رود.

۱۱. سازمان‌های اطلاعاتی چهار کارکرد اصلی در کشورداری دارند که شامل جمع‌آوری اطلاعات، تحلیل اطلاعات، ضداطلاعات و اقدام پنهان است. برای مطالعه بیشتر بنگرید به: مهدی میرمحمدی، «کارکردهای سازمان‌های اطلاعاتی در کشورداری»، فصلنامه مجلس و پژوهش، سال ۱۴، شماره ۵۷، پاییز ۱۳۸۷، صص ۱۹۸-۱۵۳.

12. Donovan, "Intelligence Rams and Policy Lions", *Studies in intelligence*, Fall 1986, p. 64, Quoted in Giliam de Valk, *Dutch Intelligence: Toward a qualitative Framework For analysis*, Rotterdam: BJU, 2005, p. 32.

۱۳. اطلاعات باکیفیت منجر به تولید سیاست‌های مطلوب می‌شوند. تولید اطلاعات با کیفیت نیز مستلزم فعالیت نهادهای اطلاعاتی است؛ از این رو گفته می‌شود که سیاست‌گذاری مطلوب مستلزم فعالیت‌های اطلاعاتی مؤثر است.

14. Walter Laquer, "The Future of Intelligence", *Studies in intelligence*, Spring 1986, p. 57, Quoted in Giliam de Valk, Op. cit, p. 33.

15. Len Scott and R. Gerald Hughes, "Intelligence, Crisis and Security: Lessons From History?", *Intelligence and National Security*, Vol. 21, No. 5, October 2006, pp. 653-674.

16. Michael Warner, "Sources and Methods for the Study of Intelligence", in Loch K. Johnson, ed., *Handbook of Intelligence Studies*, New York: Routledge, 2007, pp. 17-27.

۱۷. تأکید رویکرد سوم بر تمایز هستی‌شناختی مطالعات اطلاعاتی از سایر رشته‌ها بر این اصل مبتنی است که ملاک تمایز رشته‌ها از یکدیگر، تمایز موضوعات، تمایز روش و تمایز مسائل و غایت است. بنگرید به: عبدالحسین خسروپناه، «نظریه دیده‌بانی: روشی برای کشف علوم میان رشته‌ای»، فصلنامه مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی، سال اول، شماره ۱، زمستان ۱۳۸۷، صص. ۷۶-۵۷.

18. <http://www.espach.salford.ac.uk/politics/mair.php>
19. <http://www.brunel.ac.uk/courses/pg/cdata/i/intelligence+and+security+studies+ma/full+details>
20. <http://www.uscanada.bham.ac.uk/postgrad/intel.html>
21. <http://www.aber.ac.uk/interpol/masters/index.html>
22. <http://www.kcl.ac.uk/depsta/wsg/master/sprogrammes/maintel.html>
۲۳. حمیرا مشیرزاده، «مبانی نظری مکتب انگلیسی در روابط بین‌الملل»، مجله پژوهش حقوق و سیاست، سال ششم، شماره ۱۲، ۱۳۸۳، صص ۱۹۱-۱۶۵.
24. D. Dessler, "What is at Stake in the Agent Structure Debate?", *International Organisation*, 43, 3, 1989, pp. 441-473.
۲۵. نگاه کنید به: میرمحمدی، پیشین.
۲۶. برخی از مقالات و متون تولیدشده در ادبیات اطلاعاتی به‌خوبی موضوعات پژوهشی، مسائل و منابع مطالعاتی در مطالعات اطلاعاتی را معرفی می‌کند. برای نمونه بنگرید به:
- Loch K. Johnson, "An Introduction to Intelligence Studies Literature", In Loch K. Johnson, ed., *Strategic Intelligence*, Vol. 1, (London: Praeger Security International, 2007), pp. 1-20; Michael Warner, "Sources and Methods for the Study of Intelligence", In Loch K. Johnson, ed., *Handbook of Intelligence Studies*, (New York: Routledge, 2007), pp. 17-27; Len Scott and Peter Jackson, "The Study of Intelligence in Theory and Practice", *Intelligence and National Security*, Vol. 19, Summer 2004, pp. 136-169.
27. Giliam de Valk, Op. cit., p. 10.
۲۸. اندرو لینکلتر، ماهیت و هدف نظریه روابط بین‌الملل، مترجم: لیلا سازگار، (تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه، ۱۳۸۵)، ص ۹۰.
۲۹. نمونه چنین پژوهش‌هایی آثار زیر هستند که کاملاً برگرفته از تجارب تاریخی و دآوری‌های یک‌جانبه نویسندگان (به عنوان افسران یا مدیران سابق اطلاعاتی) در مورد موضوعات مختلف است:
- پیترایت، شناسایی و شکار جاسوس، (تهران: اطلاعات، ۱۳۸۷).
 - کنت دامارانش، جنگ جهانی چهارم: دیپلماسی و جاسوسی در عصر خشونت، مترجم: سهیلا کیانتاژ، (تهران: انتشارات اطلاعات، ۱۳۸۰).
 - ویلیام کلی، سی سال با سیا، مترجم: ارسلان ثابت سعیدی، (تهران: نشر نگرش، ۱۳۶۸).
۳۰. گیلیام واک نیز در کتاب خود با عنوان اطلاعات در هلند: چهارچوبی کیفی برای تحلیل، ضمن

تأکید بر وجود موضوع مطالعاتی در رشته اطلاعات و مفهوم‌سازی مناسب در مورد واژگان مورد استفاده در رشته، ابهام روش‌شناختی و نبود نظریه مشخص را نقاط ضعف این رشته عنوان کرده است. برای مطالعه بیشتر ر. ک. به:

Giliam de Valk, *Dutch Intelligence: Toward a qualitative Framework For analysis*, (Rotterdam: BJU, 2005), pp. 9-11.

۳۱. بنگرید به: اسحق بن اسرائیل، «فلسفه و متدولوژی فعالیت‌های اطلاعاتی: منطقی فراگرد تخمین»، در مهدی سلطانی (گردآورنده)، فراگرد تخمین در سیاست و اطلاعات، (تهران: مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری، ۱۳۸۱)، صص ۱۵۶-۱۳۵؛ مهدی میرمحمدی و عبدالمحمود محمدی لرد، سیاست و اطلاعات: مطالعه موردی ایالات متحده آمریکا، (تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر، ۱۳۸۷).

۳۲. اسحق اسرائیل در مقاله فلسفه و متدولوژی فعالیت‌های اطلاعاتی، روش‌شناسی پوزیتیویستی برگرفته از کارل پوپر را برای مطالعات اطلاعاتی پیشنهاد کرده است.

۳۳. بنگرید به: حمیرا مشیرزاده، تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل، (تهران: سمت، ۱۳۸۴)، صص ۲۲۴-۲۲۹ و ص ۲۳۹؛ جان بیلیس و استیو اسمیت، جهانی‌شدن سیاست: روابط بین‌الملل در عصر نوین، (تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر، ۱۳۸۳)، ص ۵۲۹.

۳۴. موریس الدفیلد یکی از رؤسای سابق سرویس مخفی انگلستان (MI6) معتقد است: اطلاعات درباره مردم و مطالعه مردم است. بنگرید به:

Philip H. J. Davis, *MI6 and the Machinery of Spying*, (London: Frank Cass, 2004), p. xi.

۳۵. در طبقه‌بندی انواع پژوهش اطلاعاتی از کتاب زیر الهام گرفته‌ام:

Giliam de Valk, Op. cit., pp. 49-73.

36. Or Arthur Honig, "A New Direction for Theory Building in Intelligence Studies", *International Journal of Intelligence And CounterIntelligence*, Vol. 20, No. 4, pp. 699-716, 2007.

37. Michael Herman, "The Customer is King: Intelligence Requirements" in Britain, in Loch K. Johnson, ed., *Strategic Intelligence*, Vol. 2, (London: Praeger Security International, 2007), pp. 165-180.

۳۸. پژوهش‌های زیر نشان‌دهنده نقش آرشیوهای اطلاعاتی در زمینه‌سازی برای نظریه‌پردازی است:
■ غلامرضا وطن‌دوست، حسن زنگنه و رضا دهدشتی، اسناد سازمان سیا درباره کودتای ۲۸ مرداد و سرنگونی دکتر مصدق، (تهران: مؤسسه خدمات فرهنگی رسا، ۱۳۷۹).

■ Michael Herman, *Intelligence Power in Peace and War*, Cambridge: Cambridge

University Press, 1990.

- Robert Jervis, “Intelligence and Foreign Policy”, *International Security*, Vol. 2, 1986-87, pp. 141-161.
- Richard K. Betts, “Analysis, War and Decision: Why Intelligence Failures Are Inevitable”, *World Politics*, Vol. 3, 1978, pp. 961-988.
- Richard Aldrich, *The Hidden Hand: Britain, America and Cold War Secret Intelligence*, (London: John Murray, 2002).
- Philip H. J. Davis, *MI6 and the Machinery of Spying*, (London: Frank Cass, 2004).

